

## نقش حیا در سلامت خانواده و جامعه

مریم احمدی نژاد<sup>۱</sup>

عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء(س)

زهرا کوهساری<sup>۲</sup>

دانشجوی دکتری مطالعات زن و خانواده

### چکیده

از جمله صفاتی که خداوند در نهاد بشر به ودیعه گذارده، حیا است، این خصلت اخلاقی که مانند سایر خصلت های فطری قابلیت رشد و توسعه و همچنین قابلیت افول و نزول دارد، جایگاه ممتازی در تعالیم دینی به خود اختصاص داده است. به طوری که همراه و ملازم ایمان و عقل دانسته شده و فقدان آن به مثابه کفر می باشد و به عنوان تمام دین و تمام خیر تعبیر شده است. این ویژگی برجسته هنگامی که در بانوان تجلی می کند به جهت اهمیت حفظ عفت و حجاب در جامعه، پسندیده تر خواهد بود. تا در پناه حفظ حیا و عفت در جامعه، سلامت روحی و معنوی خانواده تامین شود و جامعه از حضور و مشارکت فعال و جریان ساز زنان به عنوان نیمی از پیکره اجتماع در عین حفظ سلامت روانی و معنوی اعضا، متمتع گردد.

### واژگان کلیدی

زن، حیا، عفت، خانواده، جامعه.

---

1. ahmadinejad.maryam@gmail.com

2. masiha\_485@yahoo.com

## مقدمه

حیا به عنوان موهبتی الهی، عامل استقرار عفت عمومی در جامعه می باشد. حفظ حیا و عفت در سطح جامعه، روابط زن و مرد نامحرم را تنظیم نموده و از این طریق کیان خانواده را پایدارتر و مستحکم تر می نماید. استحکام و انسجام خانواده نیز سلامت روحی و معنوی اعضای خانواده و به تبع آن سلامت روانی و معنوی اعضای چنین جامعه ای را به ارمغان می آورد. هدف این پژوهش، بررسی این موضوع است که حیا در آموزه های اسلامی چه جایگاهی دارد و این مولفه چه نقشی در ایجاد و حفظ سلامت روانی و معنوی خانواده و جامعه خواهد داشت؟ در نوشتار حاضر، نگارنده جهت پاسخگویی به پرسش مطروحه با محور قرار دادن آیات و روایات معتبر در خصوص اهمیت حیا و بررسی آنها، این مولفه را به عنوان الگوی تقویت سلامت روانی و معنوی اعضای خانواده و جامعه در سبک زندگی اسلامی معرفی می نماید.

## الف. جایگاه حیا در دین مبین اسلام

«حیا» صفتی است که خداوند متعال در نهاد انسان ها به ودیعه گذارده است. این صفت در روایات قرین و همراه عقل و ایمان معرفی شده است. از رسول گرامی اسلام نقل شده که فرمودند: «الْحَيَاءُ وَالْإِيمَانُ كَلَّةٌ فِي قَرْنٍ وَاحِدٍ فَإِذَا سُلِبَ أَحَدُهُمَا اتَّبَعَهُ الْآخَرُ»<sup>۱</sup>، حیا و ایمان هر دو به یک ریسمان متصل اند، یکی از آن دو چون برود دیگری نیز خواهد رفت. آن حضرت در جای دیگر می فرمایند: «الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْإِيمَانُ فِي الْجَنَّةِ، حَيَاةٌ مِنَ الْإِيمَانِ، وَ الْإِيمَانُ فِي الْجَنَّةِ»<sup>۲</sup> همچنین از امام جعفر صادق (ع) روایت شده که فرمودند: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ»<sup>۳</sup> ایشان کسی که حیا ندارد را از درجه ایمان ساقط دانسته و وجود ایمان را در قلب وی انکار می نمایند. به طور کلی براساس روایات مذکور که به عنوان نمونه ذکر شده اند، بی حیائی در هر موردی باشد با نبودن ایمان ملازم خواهد بود. چرا که حیا متناظر و هم ردیف ایمان معرفی شده است. در این چارچوب رسول اعظم حضرت محمد مصطفی (ص) کمی حیا را همدریف کفر دانسته، می فرمایند: «قَلَّةُ الْحَيَاءِ الْكُفْرُ»<sup>۴</sup> علاوه بر این، در روایات شیعی به رابطه نزدیک میان حیا و ایمان با عقل تاکید و تصریح شده است. در این خصوص امیرالمومنین (ع) می فرمایند: «الْحَيَاءُ وَ الدِّينُ مَعَ الْعَقْلِ حَيْثُ كَانَ»<sup>۵</sup> عقل هر کجا باشد حیا و دین نیز با او همراه هستند. از مجموع این روایت چنین استفاده می شود که عقل با حیا و دین لازم و ملزوم اند و از یک دیگر جدا نمی شوند. پس خداوند به هر کس عقل عنایت کند حیا و دین هم عنایت کرده است و کسی را که با حیا و متدین یافتیم باید او را عاقل هم بدانیم.<sup>۶</sup> همینطور هر چه بر عقل و ایمان انسان افزوده می شود حیای وی نیز افزایش می یابد.

<sup>۱</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، مصحح: علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۳ ق، ص ۴۱۱.

<sup>۲</sup> پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، دنیای دانش، تهران، ص ۴۵۳.

<sup>۳</sup> کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، المجلد الثاني، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق، ص ۱۰۶.

<sup>۴</sup> طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، المكتبة الحیدریة، نجف، ۱۳۸۵ ق، ص ۲۳۵.

<sup>۵</sup> اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمة (ط - القدیمة)، مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی، المجلد الثاني، الطبعة بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ ق، ص ۲۶۹.

<sup>۶</sup> کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، جلد اول، نشر علمیه اسلامیة، تهران، ص ۱۲.

در عین حال روایات متعددی از ائمه معصومین (ع) نقل شده که حاکی از این است که در دین مبین اسلام حیا جایگاه ممتازی دارد به گونه ای که رسول گرامی اسلام (ص) در بیاناتی حیا را تحت عناوینی چون تمام دین<sup>۱</sup> و تمام خیر<sup>۲</sup> تعبیر نموده، و حیا را نظام دین<sup>۳</sup> دانسته اند. همچنین ایشان در بیان زیبایی می فرمایند: «إِنَّ لِكُلِّ دِينٍ خَلْقًا، وَ إِنَّ خَلْقَ هَذَا الدِّينِ الْحَيَاءُ»،<sup>۴</sup> برای هر دینی اخلاقی است و خلق اسلام حیا است. مضافاً اینکه در حدیثی از امام جعفر صادق (ع) مروی است که ایشان قلت و کمی حیا را از نشانه های نفاق معرفی فرموده اند.<sup>۵</sup> با ملاحظه و مذاقه در روایات صدرالذکر که به عنوان نمونه ارائه شدند، جایگاه رفیع صفت اخلاقی «حیا» در مکتب اسلام به اختصار تبیین گردید.

## ب. رابطه حیا با حجاب و عفاف

ثمره حیا که ملکه ای درونی است، حجاب و عفاف است همانطور که امام علی علیه السلام بر این امر تاکید دارند و می فرمایند: «أصلُ المَرْوَةِ الْحَيَاءُ وَ تَمَرَّتْهَا الْعِفَّةُ»<sup>۶</sup> قرآن کریم چندین بار به لزوم حفظ حجاب تصریح نموده است. از جمله اینکه در سوره مبارکه احزاب خطاب به پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید: «يا ايها النبي قل لازلواجك و بناتك و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین»<sup>۷</sup> ای پیامبر به زنان و دختران خود و به زنان مؤمن بگو که خویش را به جلباب و چادر و عبا بپوشانند، این کار به خاطر آن که به عفت شناخته شوند و کسی متعرض آن ها نشود، برای آن ها بسیار بهتر است.

شایان ذکر است که حجاب زنان برای اولین بار در دین مبین اسلام ذکر نشده است در سایر مذاهب و مکاتب فکری نیز وجود داشته است. از جمله در «تلمود» که یکی از کتاب های مهم دینی، فقه مدون و آیین نامه زندگی یهودیان است، بیان شده که: «اگر زنی به نقض قانون یهود می پرداخت، چنان چه مثلاً بی آن که چیزی بر سر داشت، به میان مردم می رفت، یا در شارع عام می گشت، یا با هر سنخی از مردان درددل می کرد و یا صدایش آن قدر بلند بود که چون در خانه اش تکلم می نمود، همسایگانش می توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه، او را طلاق دهد»<sup>۸</sup> در ایران نیز و در بین مللی که از فکر یهود پیروی می کردند، حجاب به مراتب شدیدتر از آنچه اسلام می خواست، وجود داشت. در بین این ملت ها، صورت و دست ها هم پوشیده می شدند.<sup>۹</sup>

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «الْحَيَاءُ هُوَ الدِّينُ كُلُّهُ»؛ پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، دنیای دانش، تهران، ص ۴۵۳.

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «الْحَيَاءُ خَيْرٌ كُلِّهِ»؛ ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، مصحح: علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۳ ق، ص ۴۱۰.

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «الْحَيَاءُ نِظَامُ الدِّينِ»؛ حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، ۱۴۰۸ ق، ص ۳۲.

۴. قضاعی، محمد بن سلامه، شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم ص)، مصحح جلال الدین حسینی آرموی (محدث)، مزکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۱، ص ۳۶۲.

۵. قَالَ الصَّادِقُ (ع): « وَ عَلَامَةُ النَّفَاقِ... قِلَّةُ الْحَيَاءِ»؛ منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم علیه السلام، مصباح الشریعة، بیروت، ۱۴۰۰ ق، ص ۱۴۴.

۶. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، مصحح حسین حسینی بیرجندی، دار الحدیث، ۱۳۷۶، ص ۱۱۲.

۷. آیه ۵۹ سوره احزاب.

۸. ویل دورانت، تاریخ تمدن، جلد چهارم، ص ۴۶۱.

۹. ابوالقاسم اشتهااردی، حجاب در اسلام، ص ۵.

### ج. اهمیت حیا برای بانوان

زنان به عنوان نیمه تأثیرگذار جامعه انسانی تأثیر مهمی در ایجاد و توسعه حیا و پاک‌دامنی در بین اعضای جامعه دارند. چرا که زنان علاوه بر اینکه با حفظ حیا و عفاف به عنوان نیمی از نیروی انسانی و فکری جامعه در پیشبرد اهداف جامعه به سمت سعادت و توسعه موثرند، در ایفای نقش مادری نیز می‌توانند انتقال دهنده و پرورش دهنده حیا در نسل بعد باشند؛ که این امر به نوبه خود یکی از مهم‌ترین عوامل حفظ و بقای عفت عمومی است.

روایاتی که از ائمه معصومین علیهم السلام به دست ما رسیده نیز حاکی از این است که وجود حیا در زنان از صفات ارزشمندی است که نسبت به آن تأکید فراوان شده است. خصوصاً اینکه عفاف و حجاب زنان یکی از اصول غیرقابل خدشه اسلامی محسوب می‌گردد و جهت حفظ کیان خانواده و تأمین سلامت روحی و معنوی اعضای خانواده در آیات قرآن کریم<sup>۱</sup> و در روایات معتبر فراوانی بر آن تأکید و تصریح شده است.

در خصوص اهمیت حیا در بانوان به عنوان مثال به گفتاری از امیر المؤمنین علیه السلام اشاره می‌کنیم که می‌فرمایند: «و الحیاء حسن و هو بالنساء أحسن»<sup>۲</sup>، حیا نیکو است ولی نسبت به زنان نیکوتر است.

### د. حیای مذموم

ارزشمندی حیا منجر به این نمی‌شود که حیا در تمامی شرایط پسندیده باشد. چراکه بر اساس تعالیم دین در مواردی نیز حیا مذموم و ناپسند خواهد بود. لذا با وجود جایگاه ممتازی که برای حیا در دین مبین اسلام در نظر گرفته شده است، استثنائاتی بر آن وارد است بدین معنا که در برخی مواقع حیا نه تنها امری پسندیده نیست، بلکه نسبت به آن نهی وجود دارد. در تایید این سخن به فرمایشی از پیامبر اکرم (ص) اشاره می‌نماییم که حیا را به دو بخش تقسیم نموده اند: ۱. حیای عقل و ۲. حیای حماقت؛ ایشان فرمودند: «الْحَيَاءُ حَيَاءُ عَقْلِ وَ حَيَاءُ حُمُقٍ»<sup>۳</sup> در ادامه این سخن در بیان حیای حماقت حضرت آن را به جهالت و نادانی<sup>۴</sup> معنا می‌کنند. همچنین از امیرالمؤمنین (ع) بیان شده: «مَنْ اسْتَحْيَى مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ فَهُوَ أَحْمَقُ»<sup>۵</sup>، کسی که از گفتن سخن حق حیا می‌کند دلیل بر حماقت و ابله‌گی او است. در این ارتباط مولی الموحدین (ع) در جای دیگری می‌فرمایند: «لَا يَسْتَحْيِي الْعَالِمُ إِذَا سُئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَنْ يَقُولَ لَا يَعْلَمُ لِي بِهِ وَ لَا يَسْتَحْيِي الْجَاهِلُ إِذَا لَمْ يَعْلَمْ أَنْ يَتَعَلَّمَ»<sup>۶</sup> هنگامی که از عالمی درباره چیزی که نمی‌داند پرسش می‌شود نباید از اینکه بگوید نمی‌دانم حیا کند و جاهل نیز نباید در یادگیری چیزی که نمی‌داند حیا داشته باشد.

مورد بعدی که در روایات اسلامی از حیا نهی شده است، حیای خانم پیش همسر خود است. به طور مثال در روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «خَيْرُ نِسَائِكُمْ الَّتِي إِذَا خَلَتْ مَعَ زَوْجِهَا خَلَعَتْ لَهُ دِرْعَ الْحَيَاءِ وَ إِذَا لَبَسَتْ، لَبَسَتْ مَعَهُ دِرْعَ الْحَيَاءِ»<sup>۷</sup> بهترین زنان شما، زنی است که هرگاه با همسرش خلوت کند پوشش حیا را واگذارد و هرگاه لباس پوشد،

<sup>۱</sup> . برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به تفاسیر موجود در خصوص آیات ۳۱ سوره مبارکه نور، ۵۳ سوره احزاب، ۵۹ سوره احزاب.

<sup>۲</sup> . علوی، محمد بن علی بن الحسین، المناقب (للعلوی) / الكتاب العتیق، مصحح: حسین موسوی بروجردی، الطبعة: دلیل ما، قم، ۱۴۲۸ ق، ص ۱۰۴.

<sup>۳</sup> . شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، المجلد الثاني عشر، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ ق، ص ۱۶۹.

<sup>۴</sup> . حَيَاءُ الْحُمُقِ هُوَ الْجَهْلُ.

<sup>۵</sup> . لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، مصحح حسین حسینی بیرجندی، دار الحدیث، ۱۳۷۶، ص ۴۴۰.

<sup>۶</sup> . برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، مصحح: جلال الدین محدث، جلد اول، دار الکتب الإسلامیة، قم، ۱۳۷۱ ق، ص ۹.

<sup>۷</sup> . کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری و محمدآخوندی، المجلد الخامس، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ ق، ص ۳۲۴.

مانند همسرش، پوشش حیا، به خود گیرد. این روایت که باید سرلوحه تمامی زنان جامعه اسلامی باشد، به حفظ و تقویت حیا و پاکدامنی در خود و همسر کمک کرده و زمینه روابط محبت آمیز زوجین را مهیا می نماید و علاوه بر تنظیم روابط خانوادگی و تضمین سلامت جنسی و به تبع آن سلامت عاطفی زوجین و خانواده، سلامت جامعه را نیز تامین می نماید. از این رو، زنان وظیفه دارند در مقابل نامحرم و در محیط جامعه رفتاری در نهایت حجب و حیا داشته باشند و در عین حال، در امور زنشویی و نزد همسر حیا را کنار گذاشته تا در سایه آرامش روحی حاصله در محیط خانواده، سلامت اخلاقی و معنوی جامعه تامین گردد.

#### نتیجه

همانطور که ملاحظه شد، حیا در اندیشه اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار است. حیا به عنوان خلق و خوی دین اسلام جایگاه ممتازی دارد که همراه ایمان و عقل بوده و فقدان آن ایمان را زایل می کند. وجود این صفت اخلاقی به گفته امام علی علیه السلام نزد بانوان نیکوتر و پسندیده تر است. این ارزشمندی حیا در بانوان به دلیل اهمیت حفظ عفت و حجاب در جامعه است. لذا اسلام حجاب را جهت حضور زن در جامعه برای بانوان واجب نموده است، تا جامعه اسلامی بتواند در سلامت معنوی ناشی از حیای زنانه و حفظ حجاب و عفت در روابط اجتماعی زنان و مردان از حضور فکری و معنوی و مشارکت زنان به عنوان نیمی از پیکره جامعه بهره مند گردد. در این چارچوب است که حضور زن در جامعه می تواند جریان ساز باشد. به عبارتی ملکه حیا و بازتاب آن که حفظ حجاب است می تواند زن مسلمان را در متن حوادث مهم تاریخی قرار دهد. واقعیت این است که حیای زنانه و حفظ حجاب به معنای منزوی کردن زنان نیست بلکه راهکاری است جهت حضور فعال زنان در مناسبات اجتماعی و سیاسی، در حالی که سلامت روحی و معنوی بانوان و خانواده شان محافظت شده و روابط خانوادگی مستحکم گردیده و در نهایت شاهد جامعه ای بالنده خواهیم بود که از مولفه های آن سلامت روحی و معنوی اعضای جامعه است.

#### منابع فارسی

۱. پاینده، ابو القاسم، **نهج الفصاحه** (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، دنیای دانش، تهران.
۲. قضای، محمد بن سلامه، **شرح فارسی شهاب الأخبار** (کلمات قصار پیامبر خاتم ص)، مصحح جلال الدین حسینی ارموی (محدث)، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۱.
۳. کلینی، محمد بن یعقوب، **أصول الکافی**، ترجمه سید جواد مصطفوی، جلد اول، نشر علمیه اسلامیة، تهران.
۴. ویل دورانت، **تاریخ تمدن**، جلد چهارم.

#### منابع عربی

- ابن بابویه، محمد بن علی، **معانی الأخبار**، مصحح: علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۳ ق.
۵. اربلی، علی بن عیسی، **کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة** (ط - القديمة)، مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی، المجلد الثاني، الطبعه بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ ق.
۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد، **المحاسن**، مصحح: جلال الدین محدث، جلد اول، دار الکتب الإسلامیة، قم، ۱۳۷۱ ق.

۷. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، **نزهة الناظر و تنبيه الخاطر**، مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، ۱۴۰۸ ق.
۸. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعة**، المجلد الثاني عشر، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.
۹. طبرسی، علی بن حسن، **مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار**، المكتبة الحيدرية، نجف، ۱۳۸۵ ق.
۱۰. علوی، محمد بن علی بن الحسین، **المناقب (للعلوی) / الكتاب العتيق**، مصحح: حسین موسوی بروجردی، الطبعة: دلیل ما، قم، ۱۴۲۸ ق.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، **الكافي**، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، المجلد الثاني، دار الكتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، **الكافي**، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، المجلد الخامس، دار الكتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۱۳. لیثی واسطی، علی بن محمد، **عیون الحكم و المواعظ**، مصحح حسین حسینی بیرجندی، دار الحدیث، ۱۳۷۶.
۱۴. منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم علیه السلام، **مصباح الشریعة**، بیروت، ۱۴